

متن پرسش

بسم الله الرحمن الرحيم سلام استاد گرامی مدتی هست که با آقایی برای امر ازدواج آشنا شدم و آشنایی ما کاما با حفظ حجاب و ضرورت انجام گرفت و ایشون رو مطابق معیار های خودم دیدم اما یک دفعه اسمس هایی که زده می شد تبدیل شد به صحبت های غیر ضروری و احساسی و اشتباه. من می دونستم که اشتباهه اما انجام می دادم چند باری هم به ایشون اشاره کردم که نمی خوام رابطه امون ظلمانی بشه اما متاسفانه با جرئت و جدیت ادامه ندادم و متاسفانه حتی وقتی این کارو انجام می دادم استغفار می کردم و می گفتم خدایا می دونم اشتباهه معذرت می خوام و حتی به این تردید افتاده بودم که چرا ایشون که این قدر دقیق هستند روی این که کار اشتباهی انجام ندن، به این راحتی این صحبت هارو با اسمس ها می کنند و کم کم داشتم به این نتیجه می رسیدم که مورد مناسبی برای من نیستند و دعا هم می کردم که اشتباهمون رو خدا به ما نشون بده! اومدم در سایت شما و جواب یکی از سوالات شما رو دیدم در مورد ضرورت رابطه با نامحرم و برام مسجل شد اشتباه بودن کارم و ایشون هم بعد از یکی دو روز با من تماس گرفتند و گفتند که در اثر صحبت اتفاقی با شخصی متوجه شدند که کارشون کاملا اشتباه بوده و قبیح و به من گفتند که منتظر ایشون نباشم هر موقع به این نتیجه رسیدند که لیاقت من رو دارند دوباره اقدام می کنند چون کاری که انجام دادند پیش وجدان خودشون غیر قابل بخشش بود اما من گفتم که برای من دلیل قابل قبولی نیست چون همین که خدا ما رو متوجه اشتباهمون کرده یعنی این که می بخشه و پاک می کنه گفتند که خشت اول چون نهد معمار کج... به خاطر این اشتباهات ممکنه زندگی اون پاکیه قابل انتظار خودش رو نداشته باشه اما برای من این دلیلشون قابل قبول نیست... همون روز هم قبل از تمام شدن رابطه من ختم ۱۰۰۰ مرتبه ای الله لطیف بعباده یرزق من یشا و هو القوی العزیز رو انجام دادم تا اگر خداوند این ازدواج رو به صلاح می دونه موانعش رو برطرف کنه و اگر به صلاح نمی دونه به ما صبر تسلیم بودن رو بده استاد گرامی من نمی خوام به خاطر اشتباهاتم مورد مناسبی رو که فکر می کردم تفاهم زیادی با من داره رو از دست بدم نمی خوام به خاطر این گناه خدا این نعمت رو از من بگیره و از طرفی هم شاید به صلاح نبوده و این طوری خدا خواسته که نموم بشه نمی دونم. اما نمی خوام کوتاهی و قصور از طرف من بوده باشه چون ایشون خیلی منطبق با معیار های من هستند من قصور کردم و کوتاهی و باید به ایشون می گفتم که این نوع صحبت های غیر ضروری و اشتباه نورانیت نداره اما کوتاهی کردم و خدا این نعمت رو از من گرفت آیا دلیل ایشون قابل قبوله که گفته اند به خاطر اشتباه بزرگی که کرده اند لیاقت من رو ندارند؟ و آیا واقعا به خاطر این رفتارهای اشتباه سنگ بنای زندگی ما با اشتباه و حرام

در هم آمیخته شده و بهتره که چیده نشه و شکل نگیره؟ من چه استغفاری پیش خدا بکنم تا خداوند به خاطر این اشتباه و گناهم نعمتی رو که خواسته از من بگیره بهم برگردونه؟

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام: بنده در این مورد چیزی نمی‌دانم. موفق باشید